

## واحد 101 گارد آزادی با استقبال گرم مردم مهاباد روبرو شد



فرماندهی گارد آزادی کمیته کردستان حزب حکمتیست در بخشی از اطلاعیه خود اعلام کرد: روز سه شنبه 3 دی ماه 85 (۲۳ ژانویه 2007) واحد مسلح 101 گارد آزادی از ساعت شش بعدازظهر در میان مردم مهاباد حضور یافت. در چند محله شهر با مردم به گفتگو پرداخت با استقبال گرم آنها روبرو شد. و اطلاعیه‌ی صادر شده از طرف خود آن واحد در میان مردم پخش شد.

واحد 101 گارد آزادی در محلاتی از میدان استقلال (شورش) مهاباد و (کوچه های مسجد حسن زاده ، پیام رسول نادری، کانی مام قنبران، خانقاه ، بانک ملی، پخچال سازی ، کوچه چهارم و بطور کلی تمامی کوچه های منتهی به خیابانهای فلسطین ، بلاق سلطان ، نبوت شرقی) حضور یافتند. و از نزدیک با مردم به گفتگو پرداخته و از ضرورت اتحاد و مبارزه علیه جمهوری اسلامی و پیوستن به گارد آزادی صحبت کردند. پخش اطلاعیه‌ی و حضور واحد گارد آزادی با استقبال پرشور از جانب مردم محل روبرو شد. واحد 101 گارد آزادی در میان صمیمیت و استقبال مردم به ماموریت خود پایان داد.

.....  
فرماندهی گارد آزادی و کمیته کردستان حزب حکمتیست حضور



رحمان حسین زاده

### اکسیون "روزه سیاسی": دوبار شکست

فراخوان روزه سیاسی "سازمان حقوق بشر کردستان" و طیف متنوع ملی مذهبی های کرد حمایت کننده آن، شکست خورده است. مردم معترض و منتفر از جمهوری اسلامی در کردستان با تجارب غنی از سابقه 27 ساله مبارزه بی امان علیه این رژیم ، طبیعی بود اعتقادی به چنین "فراخوانی" نخواستند داشت. حمایتی مستمر ملی مذهبی های درون کشوری و هر دو شاخه حزب دمکرات کردستان و سازمان زحمتکشان و نهادها و رسانه های این جریانات فدرالیست نه تنها کمکی به پیشبرد این پروژه نکرد، بلکه رسوایی کل این طیف سهیم در این فراخوان اسلامی از قبل ناکام بر ملا شد. ما این شکست را پیش بینی کردیم و نه تنها پیش بینی کردیم به سهم خود محتوای واقعی این حرکت و بی ربطی واضح آن را به اهداف و روشهای مبارزاتی مردم کردستان افشاء کردیم. گفتیم نام بردن از روزه سیاسی به عنوان اقدام اعتراضی در جامعه کردستان یک دهن کجی بزرگ به کل تجارب مبارزات قاطع مردم در 27 سال گذشته علیه جمهوری اسلامی است. گفتیم این روش هیچ فشاری را بر جمهوری اسلامی و مقامات آن ایجاد نمیکند و دقیقاً روشی برگرفته از میراث جمهوری اسلامی و در میان مردم معترض مضموم است. و گفتیم این حرکت ربطی به دفاع از "حقوق بشر" و کاهش فشارهای جمهوری اسلامی در کردستان ندارد ، بلکه مانور ملی مذهبی های کرد و شاخه حقوق بشری آنها در آستانه سالروز "جمهوری مهاباد" و بازار گرمی برای تحمیل خرافه "روز ملی" بر مردم کردستان است و گفتیم مردم از کنار آن رد میشوند و به آن توجهی نخواهند کرد و همین اتفاق افتاد.

این فراخوان و ائتلاف رسمی و غیر رسمی حامی آن در داخل و خارج کشور در هر دو هدف مورد

حضور علنی داشتند؛ بار اول در ۱۵ خردادماه بود که راس ساعت 9 شب در محلات پشت تپ (طرف مدرسه)، باغ شایگان (روبروی کلانتری ۱۳) و میدان استقلال (کوچه خانقا، کوچه رسول نادری) حضور یافتند و ضمن ملاقات با مردم اطلاعیه پخش کردند.

بار دوم ۲۲ خرداد برای دومین بار در فاصله یک هفته در شهر مهاباد حضور یافتند و با جسارت و کاردانی در محله مسجد قبله و کوچه های این محله از جمله کوچه نانوا ، استاد محمد تکمه چی، جهانتاب، صولتی، محله سلطانیان و پارک استاد مجدی و کوچه های منتهی به خیابان استاد مجدی و خیابان هشت متری، محله ارمینان و در کوچه های شیخ بابا، پنجوی، صابونی، نعلبندی، مسجد حاج سیحسن، برق و بطور کلی کوچه های منتهی به خیابان جام جم و خیابان صلاح

موثر واحد 101 گارد آزادی را در شهر مهاباد صمیمانه به مردم مهاباد که پذیرای گرم این واحد بوده و به تک تک اعضای واحد 101 گارد آزادی تبریک میگوید. از همکاری مردم و جوانان پرشور در تامین حضور واحد گارد آزادی قدرانی میکند.

در جریان حضور سه شنبه شب گذشته اطلاعیه زیر از جانب فرماندهی واحد 101 گارد آزادی در شهر مهاباد تهیه و در میان مردم توزیع شده است.

### اطلاعیه واحد 101 گارد آزادی مردم آزادیخواه مهاباد، کارگران، زحمتکشان، جوانان مبارز!

برای بار سوم در سال جاری واحدهای مسلح گارد آزادی در این لحظه در میان شما هستند. واحدهای مسلح گارد آزادی در تابستان گذشته ۲ بار در شهر مهاباد

دنبال میکنند مورد تازه ای نیست. حدود ۹ سال پیش بود که "افسانه نوری" در یک واقعه مشابه به ارتکاب قتل عمد متهم شد. افسانه ۸ سال از بهترین سالهای عمرش را با کابوس مرگ گذراند. وقتی با حمایت و پشتیبانی صدها و هزاران انسان متمدن و انساندوست و نهادهای مدافع

### نازنین از مرگ نجات یافت اما هنوز اسیر است!

#### پری زارع

ماجرای دردناک مهاباد ( نازنین) فاتحی و حکم قصاص او که خبرش این روزها بر روی سایتهای اینترنتی و بر سر زبانهاست، برای کسانی که اخبار مسائل زنان را

### تحرك دانشجویی و نگاهی به مطلب امین سرخابی از گاهنامه هاوری

نشریه سیاسی خبری  
دانشگاه آزاد سنندج

محمد فتاحی  
ص 4

ادامه ص 3

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



نظرشان شکست خورده است. اولاً: از خلال این آکسیون میخواستند خودی نشان دهند و توجه مردم را به حرکتشان جلب کنند. چنین اتفاقی نیفتاد و شکست اول را ثبت کرد. دوماً میخواستند این حرکت پیش درآمد اعلام "روز ملی شان" و برپایی "جشنهای ملی" در دوم بهمن سالروز "جمهوری مهاباد" باشد. این اتفاق هم نیفتاد و شکست دوم را ثبت کرد.

"سازمان حقوق بشر کردستان" عصبانیت خود را از این شکست و ناکامی در عکس العمل به فعالیتهای ما در مقابل تاکتیک اسلامی "روزه سیاسی شان" به وضوح بروز داده است و در مطلبی چنین نوشته است "ان گروه حتی طی چندین بیانیه و اطلاعیه لزوم مقابله و سرکوب نهاد حقوق بشری کردستان از طریق نیروهای مسلح آزادی شان مطرح نمود. اخیراً نیز گروه مذکور در باره فراخوان "ر.م.ک"، بیانیه صادر کرده و اینبار این سازمان را در ردیف گروههای سیاسی و حکومتی و یا اصلاح طلب حکومتی و ملی و مذهبی قرار داده و متهم کرده است".

فعلاً از این میگذرم که ادعای تهدید آنها توسط گارد آزادی کذب است و ارزش جوابگویی ندارد. اما بیانات بالا هذیانهاست بعد از شکست و رسوایی تاکتیک "روزه سیاسی" است. نهاد "حقوق بشری" ناسیونالیستها به دنبال این شکست میخواهد از مونتلفین فراخوانش فاصله بگیرد. و این از پیامدهای شکست هر سیاست و تاکتیکی است که بعداً گریبان مبتکران آن را میگیرد. در روزهای فراخوانشان ما گفتیم ائتلاف دوم خردادیهای سابق کردستان، فراکسیون کرد مجلس ششم و هفتم جمهوری اسلامی و امثال بها ادب و جلالی زاده و ولدبگی و کل طیف ملی مذهبی کرد حامی این فراخوانند. همانوقت همین "سازمان حقوق بشر کرد" نه تنها ادعای مارا اتهامی به خود قلمداد نمیکرد، بر عکس در وبلاگ و تبلیغات و اظهارات مسئولش حمایت آنها را لیست کرده و به آن مباحثات میگرد. امروز که شکست مسجل شده و چیزی جز رسوایی نصیب نبرده اند، به فکر جدا کردن حساب خود از امثال ادب و جلالی زاده و ... هستند و واقعیات گفته شده از جانب ما را اتهامی به خود قلمداد میکنند. اما نورافکن روی آنها متمرکز است. به سادگی نمیتوانند رنگ عوض کنند. اگر از این ائتلاف پشیمانند رسماً باید توضیح دهند. اگر همسویی سیاسی تاکنونیشان با

طیف دوم خردادیهای سابق و "فراکسیونهای کرد مجلس" و "جبهه متحد کرد" و امثال ادب و جلالی زاده و ولد بگی و امثالهم را اتهام به خود میدانند چرا؟

### مردم و چپ جامعه کردستان را نمیشناسند.

ناسیونالیستهای کرد و ائتلاف غیر رسمی ملی مذهبی کردستان ایران از "فراکسیون کردهای مجلس و جبهه متحد کرد و سازمان حقوق بشر تا هر دو شاخه حزب دمکرات کردستان و سازمان زحمتکشان" که همگی به طور سمبولیکی در داخل و خارج کشور حول "روزه سیاسی" همسو شدند. جامعه کردستان ایران را آنطور که هست نمیخواهند بشناسند. تحولات عمیق رادیکال و اجتماعی این جامعه، چپ گرایی و توقعات بالای مبارزاتی مردم را علاقمندند، دست کم بگیرند. اگر چنین نبود به تاکتیک احمقانه "روزه سیاسی" نمیرسیدند. خود فریبی میکنند و از یاد میبرند از مقطع انقلاب 57 تا کنون گام به گام سیاست چپ و رادیکال و جنبش چپ و رادیکال در عرصه های مختلف اجتماعی، الهام بخش مبارزه پیگیر مردم علیه جمهوری اسلامی بوده است. اینجا عرصه کوچ ها، راهپیماییها و تحصنهای بزرگ شهری، اینجا میدان جنگ انقلابی، اینجا عرصه تحرک کارگری و اول مه های باشکوه در اوج اختناق و استبداد، اینجا صحنه همایشهای برابری طلبانه و انسانی زنان و مردان و 8 مارسهای باشکوه و مراسمهای دفاع از حقوق کودکان و اینجا صحنه مداوم اعتراض قاطع مردم علیه جمهوری اسلامی و سرکوبگران و اعتصاب عمومی 16 مرداد بوده است. بر پایه چنین تجارب مبارزاتی، جنب و جوش اعتراضی مردم خواب از چشم جمهوری اسلامی و هم پیمانان سابق و امروزی آن ربوده است. در این جامعه و با چنان پتانسیل بالای مبارزاتی مضحکه "روزه سیاسی" معلوم بود چیزی جز شکست درو نخواهد کرد. جای نامناسی سرمایه گذاری کردند. سیاست و روشهایشان ربطی به مبارزه مردم ندارد و بیگانگی خود را با اعتراض و مبارزه بر حق مردم به نمایش گذاشت. مردم و چپ جامعه را دست کم گرفتند. به مردم و چپ جامعه و حکمتیستها در کردستان باید درود فرستاد که جواب محکمی به بساط ملی اسلامی آنها دادند. بهتر است برای همیشه این بساط را جمع کنند و دست از سر مردم بردارند.



الدین ایوبی حضور یافتند، با مردم و جوانان ملاقات کردند و در میان عابرین و ماشین های سواری در آن مناطق اطلاعیه پخش کردند. در سال جاری واحدهای ما علاوه بر محلات متعدد در قلب شهر مهاباد، بارها در سنج، کامیاران، مریوان، سردشت و نقه حضور علنی پیدا کرده اند و با مردم دیدار نموده اند.

حضور علنی و مسلحانه فعلی ما در شهر مهاباد در ادامه عملیات های پیشین است. گارد آزادی یک نیروی مسلح است که اردوگاه و پایگاه نظامی بیرون شهرها ندارد. واحدهایش در درون شهر و از جمع زنان و مردان داوطلب سازمان پیدا کرده اند. گارد آزادی نیروی مسلح شما برای کمک به مبارزات شما علیه جمهوری اسلامی، علیه تبعیض، علیه نابرابری، علیه فقر و استبداد است. گارد آزادی بازوی مسلح شما برای تقویت صفوف شما زنان و مردان و جوانان آزاده در نبرد برای آزادی و برابری، انسانیت و زندگی است. گارد آزادی توسط حزب حکمتیست سازمان داده شده است. شما به یک نیروی نظامی زنده و کارآمد در کنار خود و برای تقویت جبهه خود در مبارزه برای آزادی نیازمندید. دست در دست ما بگذارید، به گارد آزادی بپیوندید و برای راهنماییهای لازم ما با تماس بگیرید.

دست همه شما را می فشاریم.

زنده باد مبارزه متحد شما علیه  
جمهوری اسلامی و زنده باد گارد  
آزادی  
فرماندهی واحد ۱۰۱ گارد  
آزادی در شهر مهاباد

برای ارتباط با فرماندهی گارد آزادی و  
کمیته کردستان حزب حکمتیست، لطفاً  
از طریق تلفن و ای میل رفقای زیر  
تماس بگیرید:

رحمان حسین زاده

۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

اسد گلچینی

۰۰۴۶۷۹۴۰۴۱۶۷۶۸

محمدقادی

۰۰۴۶۷۸۸۱۸۸۵۸۱۵

حسن قادری

۰۰۴۶۷۶۸۵۷۴۸۵۶

عبدالله دارابی

۰۰۴۶۷۰۵۴۰۲۱۳۳

سلام زیجی

۰۰۴۶۷۳۶۲۲۷۹۵۹

آدرس ای میل این رفقا به ترتیب چنین  
است:

[husienzade\\_r@yahoo.com](mailto:husienzade_r@yahoo.com)

[agolchini@yahoo.com](mailto:agolchini@yahoo.com)

[m.fatahi@gmail.com](mailto:m.fatahi@gmail.com)

[hassan.ghaderi@comhem.se](mailto:hassan.ghaderi@comhem.se)

[darabi\\_abe@gmail.com](mailto:darabi_abe@gmail.com)

[s.zijii@yahoo.se](mailto:s.zijii@yahoo.se)

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید!

مردم انقلابی در کردستان، جوانان انقلابی و آزادیخواه!

هر جا که هستید، در هر محله و در هر شهر و روستا دور هم جمع شوید و گارد آزادی را تشکیل دهید.

۱- هر دو تا شش نفر که همدیگر را میشناسید و به هم اعتماد دارید مخفیانه یک گروه گارد آزادی تشکیل دهید.

۲- برای گروه خود یک نام انتخاب کنید.

۳- با ما تماس بگیرید. از طریق دوستان، آشنایان یا اقوام خود در عراق یا خارج کشور و یا هر شیوه مطمئن دیگری خود را به کمیته سازماندهی و فرماندهی گارد آزادی در کردستان متصل کنید.

۴- از هر طریق که میتوانید خود را مسلح کنید.

۵- عوامل و امکان علنی و مخفی نظامی، انتظامی و جاسوسی رژیم را شناسایی کنید.

۶- تلاش کنید فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه در محل را گسترش دهید.

۷- در محله خود، نفوذ، اعتبار و محبوبیت کسب کنید. حافظ اصلی واحد های گارد آزادی نفوذ و محبوبیت آنها در میان مردم است.

۸- تلاش کنید که در محل تان فرهنگ پیشرو حاکم باشد و بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان و تعرض به حقوق کودک و آزادی اندیشه و بیان مقاومت شکل بگیرید.

۹- فضای محله را نسبت به تبلیغات قوم پرستانه آگاه و حساس کنید و این نیرو هانی که بر قوم پرستی و عقب ماندگی سرمایه گذاری میکنند را ایزوله کنید.

۱۰- مطلقاً بدون اجازه ما اقدام به عملیات یا نمایش نظامی نکنید.

نه هویت قومی، نه هویت مذهبی، زنده باد هویت انسانی!



## نازنین از مرگ نجات .... ص 1

حقوق زنان و حقوق بشر در ایران و جهان توانست سرانجام بی گناهی اش را به سیستم قضایی اعدام و شکنجه جمهوری اسلامی ثابت کند، بسیاری از فرصتهای شیرین زندگی اش را از دست داده بود. خیلی چیزها از او گرفته شده بود؛ جوانی، شادابی، زندگی و چیزهایی که دیگر قابل بازگشت نبودند. افسانه کودکی فرزندان را تجربه نکرد. او دختر خردسالش را که حال ۱۵ ساله بود دیگر نمیشناخت...

اینبار تراژدی افسانه با نام نازنین تکرار میشود. با این تفاوت که نازنین فقط ۱۹ سال سن دارد. او در سنجندج بدینا آمده است. در خانواده ای فقیر و سنتی. او مانند بسیاری از هم سن و سالهایش نتوانست تنگنستی و خشونت خانه و جامعه را تحمل کند و به شهر کرج و به سرگردانی و تنهایی هر چه بیشتر پناه برد.

او سالهای آخر نوجوانی اش را در زندان رجایی شهر و با کابوس مرگ سپری کرد بنون اینکه کودکی ای به

خاطر داشته باشد!

نازنین در اسفندماه ۸۳ زمانی که ۱۷ ساله بود به کلانتری مهر شهر کرج مراجعه کرد و به مأموران گفت؛ پسر جوانی را که قصد آزار و اذیت او و برادر زاده اش سمیه ۱۴ ساله را داشته با ضربه چاقو مجروح کرده است. جوان مجروح که یوسف نام داشت پس از انتقال به بیمارستان جان باخت و نازنین به عنوان قاتل دستگیر شد. وی پس از ۲ سال تلاش برای اثبات بی گناهی اش سرانجام از چنگال مرگ نجات یافت. روز یکشنبه ۲۴ دیماه دادگاه کیفری که قبلا به حکم قصاص وی رای داده بود حکم آزادی وی را به شرط پرداخت دیه ۳۰ میلیون تومانی به خانواده مقتول صادر کرد.

نازنین را جنبش عظیم جهانی علیه اعدام نجات داد. برای نجات جان او صدها هزار نفر در داخل و خارج کشور طومار امضا کردند. دهها کمپین سازمان داده شد و نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر در بسیاری از کشورها نفرت خود را از حکم صادر

شده برای نازنین و علیه کشتن انسان تحت عنوان قصاص و سنگسار که جوهره قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی است، اعلام نمودند. اینبار هم جنبش عدالتخواهی انسان متمدن موفق شد جمهوری اسلامی را به عقب بنشانند و نشان دهد انسانیت زنده است.

اکنون نازنین از مجازات مرگ نجات یافته است اما بهایش پرداخت مبلغی هنگفت است که از عهده او و خانواده فقیرش هرگز برنمیآید. این را همان قصاصات دادگاه نازنین بخوبی میدانند اما قوانین شرعی و اسلامی ای که خود آنها وضع کننده و مجریانش هستند جان و هستی انسانها را به معامله میگذارند، قیمت جان نیمی از آنها را نصف آن نیم دیگر در نظر میگیرد و برایش نرخ شتر و ریال تعیین میکند...

دادگاه جمهوری اسلامی نازنین را یک بار دیگر بی پناه و سرگردان در دنیایی که کمتر از قیل نا امن نیست رهایش میکند، با تحمل خونیهایی که توهین آمیز و تحقیر کننده ارزش انسان است، با کوله باری از تجربیات هولناک و با یک

دنیا ترس از برخورد انسانهای بیرون، از عقب ماندگی و انواع خشونتها و فشارهای روانی و اخلاقی که در انتظارش است...

آنها نازنین را به روزی انداخته اند که شاید دیگر نتواند حتی رویای یک زندگی عادی و انسانی را که هرگز نداشته است ببیند.

کمپین نجات جان نازنین هنوز کارش به پایان نرسیده است. باید نازنین را دست کم از زیر بار فشار مالی سنگینی که مازاد بر بدبختیها و محرومیتهای دیگرش بر شانه های نتوانش تحمیل کرده اند نیز نجات داد.

نازنین و خانواده او را نباید تنها گذاشت. اما مهمتر از همه این است که بشر یک بار و برای همیشه حاکمیت پوسیده مذهب و مردسالاری و آپارتاید جنسی که زندگی دهها میلیون انسان در ایران را به گرو گرفته است به گور بسپارد. این روز، تولدی دیگر برای نازنین ها و جشن پیروزی انسانیت و خاتمه دادن به یک دوره تلخ تاریخی دیگر است. روز آزادی و برابری زن و مرد است.

## تحرك دانشجویی .... از ص 4

صدام و ریاست جمهوری آقای طالبانی اوج دلگرمی ناسیونالیسم کرد برای داشتن "قدرتی کردی" در چهارچوب "خاورمیانه بزرگ" است. جنبش دانشجویی کردی" اساسا محصول رشد ناسیونالیسم کرد از سال ۱۹۹۱ میلادی تا مقطع اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ است. ناسیونالیسم و قومگرایی در این دوره تقریبا نوزده ساله در تمام عرصه های سیاسی اجتماعی بازوی قدرتمند خود را می سازد. در تبلیغات و منبیا، در ادبیات و فرهنگ و هنر ناسیونالیستی و قومی، در میان جوانان بویژه ریشه های قدرتمندی میبواند. "جنبش دانشجویی کردی" محصول این دوران است. هر کسی و با هر معیاری سراغ مطالعه پروسه رشد این جنبش را بگیرد، باید از حضور فعال و قدرتمند آمریکا در جنگ اول خلیج شروع کند، به جنگ دوم آمریکا در عراق و اشغال این کشور برسد تا دوران پرچم مداوما در اهتزاز ناسیونالیسم کرد و "جنبش دانشجویی کردی" را در این مقطع تاریخی ببیند.

**چهارم "خلاء پارادایمی در جنبش دانشجویی کردی".**

این دوره از مقطعی شروع میشود که پای معمار "خاورمیانه بزرگ" در لجزار عراق گیر میکند. هر خبری

حاکمینش از جامعه جارو کند. دانشجو و جوان این جامعه که نفعی در بقای دنیای کهنه ندارد، چرا طوق قومی و ملی باید مانع همراهی اش با این جنبش شود؟

امین سرخابی عزیز محکوم به درجا زدن در سنگر تناقضات نیست. برای این کار، کنار زدن "پارادایم" ناسیونالیستی و قومی و پیوستن به جنبش و جریان سوسیالیستی جواب است.

در کنار پرچم های سرخ دانشگاه تهران در همین فضای "خلاء پارادایم های" ناسیونالیستی و قومی ممکن است.

خلاصه کنم: "جنبش دانشجویی کردی" به عنوان بازوی دانشجویی ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد به دنبال حمله نظامی بوش پدر رو به رشد نهاد، در دوران دوم خرداد و همزیستی برادرانه پ.ک.ک با جمهوری اسلامی هم نیرو گرفت، حمله دوم آمریکا به عراق نور

دیگری در ایمان این جنبش بود، با شروع شکست آمریکا در عراق نیز پروسه سرگردانی اش را شروع کرد. "جنبش دانشجویی کردی" همزاد سرگردانی و بی افقی جنبش مادرش، جنبش ناسیونالیسم کرد بی افق شده است و اکنون در خلاء و بلا تکلیفی بسر میرود. درست بر عکس، اما تحرك دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب که نه تهرانی و اصفهانی و تبریزی و سنندجی است، نه کردی و ترکی و فارسی است، و نه قومی و قبیله ای و ملی است، تازه دارد راه پیشروی پیدا میکند. این جنبش بازوی جنبش وسیعتری در جامعه است که میخواهد فقر، فلاکت، فحشاء، اعتیاد، تبعیض، نابرابری، استبداد، عقب افتادگی فرهنگی، ستم جنسی و طبقاتی و ملی و مذهبی و جنگ و همه مصائب سیستم اقتصادی اجتماعی حاکم همراه

### اکتبر پنجشنبه ها منتشر

میشود.

اکتبر را تکثیر و توزیع کنید.

مسئول روابط عمومی کمیته کردستان

حزب

اسماعیل ویسی

[ravabet.omoomi.k.k@gmail.com](mailto:ravabet.omoomi.k.k@gmail.com)

Tel - 00358 50 35 73 56 4

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!



**محمد فتاحی**

**تحرك دانشجویی و نگاهی به مطلب  
امین سرخابی از "گاهنامه" هاورئ  
نشریه سیاسی - خبری دانشگاه آزاد  
سنندج**

[m.fatahi@gmail.com](mailto:m.fatahi@gmail.com)

آقای امین سرخابی دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه آزاد سنندج نقلاى صمیمانه ای به خرج داده است تا افق "جنبش دانشجویی کردی" را در دوره های متفاوت سیاسی بررسی و وضع سرگردان و بی افق فعلی آنرا ترسیم کند. برای این کار مقاله ایشان میگوید که "نگارنده چهار پارادایم رهایی بخش را در جنبش دانشجویی کردی بررسی میکند." و برای اشاره به آن پارادایم های مد نظرش دوره رشد و حضور آن "جنبش" را چنین دوره بندی میکند: یک- قبل از انقلاب افق سوسیالیسم بر این جنبش حاکم است. دو- از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶ خودمختاری خواهی و سوسیال دمکراسی، سه- افق کردستان بزرگ، از سال ۱۳۷۶ به بعد که دوران نوم خرداد و اوج فعالیت پ.ک.ک است. و بلاخره چهار- "خلاء پارادایمی در جنبش دانشجویی کردی"، یعنی بی افقی سیاسی که دوره حاضر را مد نظر دارند. برای پرهیز از کلی گویی، دوره های مد نظر را با هم مرور کنیم:

### یکم- دوران قبل از انقلاب

مقاله ایشان میگوید در این دوره افق سوسیالیسم بر "جنبش دانشجویی کردی" حاکم است. سمپاتی آقای سرخابی به سوسیالیسم موجب شده تا آنرا به عنوان یک "پارادایم رهاییبخش" به رسمیت بشناسد و این جای خوشحالی است. اما مقاله ایشان به اشتباه از "جنبش دانشجویی کردی" در دوران قبل از انقلاب بحث به میان میآورد. تحرك دانشجویی آن دوره در کردستان رنگ قومی و ملی ندارد، و همانطوریکه ایشان توضیح میدهد

دارای یک افق سوسیالیستی و چپ است. نمیتوان از شاخه دانشجویی یک جنبش ناسیونالیستی به عنوان جنبشی با افق سوسیالیستی نام برد. همه ما هم میدانیم که در دوران قبل از انقلاب ناسیونالیسم کرد غیبت سیاسی داشت. آقای عبدالله حسن زاده دبیرکل یکی از شاخه های فعلی حزب دمکرات در کتابش به این واقعیت اعتراف کرده است که حزب دمکرات (به عنوان تنها حزب ناسیونالیست آن دوران) در دوره انقلاب "در گوش گاو خوابیده بود." جنبشی که حزب سیاسی اش چنان جای آرامی خوابیده است، نمیتواند دارای شاخه دانشجویی بیداری باشد. تمام تحركات عظیم دانشجویی در دوران قبل از انقلاب را مرور کنیم، جایی اثری از "جنبش دانشجویی کردی" یا "ترکی" و... یافت نمیشود. در کل آن دوره این جنبش در کنار جنبش ضد سلطنتی و ضد استبدادی تحریکی سراسری و غیر محلی و غیر قومی دارد.

**دوم- سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۶**

مقاله آقای سرخابی میگوید در این دوره خودمختاری خواهی و سوسیال دمکراسی افق مسلط است. حقیقت روشنی که در این بخش دیده میشود، ظهور ناسیونالیسم در کنار سوسیالیسم در جنبشهای سیاسی اجتماعی این دوره است. اما مقاله آقای سرخابی به اشتباه و احتمالا به دلیل کمبود اطلاعات تاریخی تمام این دوره را دو دستی تحویل ناسیونالیسم کرده است. بین این سالها چند اتفاق سیاسی جهانی و منطقه ای بوقوع می پیوندد که از عوامل تعیین کننده فضای سیاسی آن دوره اند: از طرفی تسلط رژیم بر تقریبا تمام ایران و جنگ و مقاومت در کردستان به سیاست در این منطقه رنگ محلی میدند. این زمینه ای برای رشد مطالبه خودمختاری و مطالبات محلی و ملی میشود. دو نیروی در گیر جنگ و مقاومت در کردستان یعنی کومه له و دمکرات هر دو پرچم خودمختاری در دست دارند، اما اولی به عنوان یک نیروی کمونیست خودمختاری را تنها به عنوان یکی از مطالباتش در دست دارد. همین کمونیسم کومه له موجب تعرض حزب دمکرات و جنگ سراسری علیه آنرا فراهم میکند. جنگ داخلی چندین ساله در کردستان با تعرض دمکرات در ابعاد سراسری برای محدود کردن میدان فعالیت کومه له، با شکست سیاسی

نظامی دمکرات، نتیجتا با انشعاب و نودستگی و ضعیف شدن کامل آن حزب، و با آتش بس یکجانبه و از موضع قدرت کومه له پایان یافت. این تصویر نمیتواند دارای فقط یک شاخه دانشجویی، آنهم فقط ناسیونالیستی باشد. در درون خود جامعه هم قدرتمندترین تحرك سیاسی اجتماعی در کردستان سالهای ۱۳۶۴ تا ۶۸ جنبش قدرتمند کارگری در کردستان است. نباید فراموش کرد که میتینگ جمعیت چند هزار نفره اول ماه مه سنندج در سال ۱۳۶۷ نه فقط بزرگترین تحرك سوسیالیستی-کارگری در سرتاسر ایران تا به امروز است، بلکه بزرگترین تحرك اجتماعی در کردستان آن روزها هم هست. این دوران دمکرات وضع جالبی نداشت تا جناح دانشجویی آن وضع جالبتری داشته باشد. نشریات و ادبیات دمکرات و ناسیونالیستها در آن دوره را ورق بزنید، نیازی به استدلال ندارد. حتی هیچ ورق پاره ای در تاریخ آن دوره به نفع حضور یک جنبش به نام "جنبش دانشجویی کردی" شهادت نمیدهد.

اواخر سالهای هشتاد میلادی و هفتاد شمسی، واقعه ای جهانی و منطقه ای این معادله را به نفع ناسیونالیسم به هم میزند. دیوار برلین و بلوک شوروی و کل سرمایه داری نولتی فرو میریزد. پیروز جنگ سرد است. حمله اول آمریکا به عراق به بهانه اشغال کویت، شکست ارتش صدام و در سایه آن قدرتگیری ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق افقی بزرگ در مقابل ناسیونالیسم کرد باز میکند. قدرت و تحرك ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق موجبات رشد و اوچگیری آنرا در مناطق دیگر کردستان منجمله در کردستان ایران نیز فراهم میکند. اگر در دوره قبل تر ناسیونالیسم کرد بی افق و سرگردان و بحرانی و ضعیف بود، این بار نوبت بحران در کومه له فرا رسید و ناسیونالیسم درون آن هم که سالها در حاشیه و سوراخ سنبه های سنن و رفتار و کردار کومه له خود را پنهان کرده بود، با دیدن تحرك جنبش عظیم سیاسی اش خارج از مرزهای سازمان کومه له، پرچم سیاسی به دست گرفت. در حالیکه ناسیونالیسم کرد در عراق به قدرت رسیده بود، ناسیونالیسم درون کومه له ذیلی برای همگرایی با سوسیالیسم و چپ درون سازمانش نمی یافت. جدایی کادرهای کمونیسم کارگری و بخش

اعظم جناح چپ از کومه له نتیجه این ناسازگاری ناسیونالیسم و سوسیالیسم در آن سازمان بود. در کنار وضع نابسامان در چپ، و بدنبال تاثیرات قوی قدرت ناسیونالیستهای کرد عراقی، فضای ناسیونالیستی در کردستان ایران رو به رشد رفت، به تدریج دو شاخه دمکرات به تبع نیاز سیاسی اجتماعی جنبش ناسیونالیستی در کردستان ایران دوران اتحاد دوباره را طی کردند و تعادل سیاسی در جامعه کاملا به نفع راست چرخید. این اوضاع مساعد برای ناسیونالیسم کرد به طول تمام آن سالها ادامه پیدا کرد. در ادامه این وضع جریان دوم خرداد پیش آمد، که همه ما شاهد امید دیگری برای ناسیونالیسم کرد بودیم. دوران دوم خرداد، کل ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران رو به قبله خاتمی ایستاد، در انتخاباتهای جمهوری اسلامی به امید گرفتن سهمی از قدرت محلی شرکت کرد. جدا شدن اقلیت راست و افراطی از کومه له و تولد سازمان زحمتکشان به عنوان یک سازمان قومی محصول عشق ناسیونالیسم کرد به "گفتگوی فرهنگ های" پرزیدنت خاتمی و شرکت در اداره قدرت محلی بود. ارتباطات مخفی و علنی خیل ناسیونالیستها با مامورین جمهوری اسلامی فقط بازی دادن آنها در آن دوره بود.

### سوم- "پارادایم کردستان بزرگ"

رژیم اسلامی به هدف کنترل تمام عیار جریان ناسیونالیسم در کردستان ایران، به جای امتیاز به ناسیونالیسم در اپوزیسیون، راه را برای فعالیت علنی پ.ک.ک در همان دوره دوم خرداد باز کرد. جمهوری اسلامی ظرفیت های این سازمان را در فروش ارزان خود به دولتهای منطقه دیده بود. به همین دلیل آگاهانه میخواست این جنبش به جای دنباله روی از ناسیونالیسم کرد در احزاب ناسیونالیست کرد ایرانی، دنبال پ.ک.ک به صف شود. فرصت و امکاناتی که آن دوره برای فعالیت پ.ک.ک فراهم شد، به اضافه میلیتاریسم آن در ترکیه، آنرا تاج سر ناسیونالیسم کرد کرد. این همان دوره ای است که به قول آقای سرخابی "پارادایم کردستان بزرگ" به عنوان پرچم این سازمان در میان بویژه جوانان پرچوش و خروش هواداران وسیع پیدا میکند. در ادامه این وضع، حمله نظامی آمریکا به عراق و سرنگونی

دستیار سردبیر:

[esmail.waisi@gmail.com](mailto:esmail.waisi@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان:

[husienzade\\_r@yahoo.com](mailto:husienzade_r@yahoo.com)  
Tel:0046739855837